



## فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
کمک به فقرا.....	۱۳
نگهداری از بچه.....	۱۴
دل تو دل مادر نبود.....	۱۵
پول توجیبی.....	۱۶
سوغاتی.....	۱۸
هدیه.....	۲۱
تلویزیونمان را دادیم به آنها.....	۲۲
اولین حقوق.....	۲۴
بر دوش مهربانی.....	۲۵
قرض.....	۲۶
پی گیر.....	۲۷
شیران روز و زاهدان شب.....	۲۸
پای درد دل.....	۳۰
دسته گل های عیادت.....	۳۱
جیره ی جنگی.....	۳۲
برای دیگران.....	۳۳
لباس دامادی.....	۳۴

۳۵	..... سوغاتی
۳۶	..... یادگار وصل
۳۷	..... بوی اینار
۳۹	..... معلّمی
۴۳	..... سرپرست
۴۴	..... یک لقمه غذا
۴۶	..... شوق عجیب
۴۹	..... فرسنگ‌ها فاصله
۵۰	..... زیر باران
۵۱	..... گمنام و تنها
۵۳	..... اعتراض
۵۷	..... امید
۶۱	..... آن نیمه شب زمستانی
۶۲	..... نجات
۶۶	..... قلک شکسته
۶۷	..... کلاه
۶۹	..... وسعت طبع
۷۰	..... لباس عید
۷۱	..... در یک شب سرد
۷۴	..... درد آشنای محرومان
۸۱	..... پای برهنه
۸۲	..... امتحان ریاضی
۸۴	..... تقسیم لباس‌ها
۸۶	..... برای خدمت
۸۷	..... صف طولانی
۸۹	..... کفش نو

۹۰.....	شهردار.....
۹۲.....	خبر از داغ شقایق.....
۹۵.....	سند خانه.....
۹۶.....	در راه مدرسه.....
۹۷.....	دعاهای بی وقفه.....
۹۹.....	وقتی همه خواب بودند.....
۱۰۰.....	درس زندگی.....
۱۰۳.....	علی وار.....
۱۰۴.....	یتیم نوازی.....
۱۰۵.....	آشنا با فقر.....
۱۰۷.....	منابع.....





## مقدمه

نبی اکرم اسلام فرمودند: «من اصبح ولم یهتّم  
بامور المسلمین، فلیس به مسلم: هر که صبح کند و  
همت و اراده‌اش در رسیدگی به حل مسائل  
مسلمانان نباشد، او مسلمان نیست.»

دایره‌ی امور مسلمین وسیع است. یک حوزه‌ی  
آن مربوط به گرفتاری‌های آنان است. مشکلات  
مادی، نداشتن یاور، بن‌بست‌های روحی، سختی‌های  
کار، غم‌ها و مصیبت‌ها، اضطراب و تشویش،  
موقعیت‌ها و شرایطی هستند که گرفتار آنها نیاز به  
کمک دارد. کلامی، پولی، همدلی، همکاری و گاه  
نگاهی می‌تواند دل گرفتار را روشن و سختی کار را  
از او برطرف نماید. نشان دادن لبخند شادی بر لبان  
مسلمان گرفتار، اجر بزرگی دارد. خداوند لبخند را  
بر لبان کمک‌کننده می‌نشانند و بار گناهان او را  
سبک می‌سازد و بال پرواز به او می‌دهد.

«من کفّارات الذنوب العظام اغاثة الملهوف  
والتنفیس عن المکروب» از کفارهی گناهان  
بزرگ، به فریاد مردم رسیدن و آرام کردن مصیبت  
دیدگان است<sup>(۱)</sup>.

با این که رزمندگان می دانستند با چکیدن اولین  
قطره‌ی خونشان، تمام گناهانشان آمرزیده می شود،  
لیکن هیچ فرصتی را برای سبکبارتر شدن و رضایت  
بیشتر حق تعالی از دست نمی نهادند. اگر چه آنان در  
حال بزرگترین عبادت بودند و بالاترین کمک را به  
ملت مسلمان ایران و بلکه مستضعفان جهان، با  
ایستادگی مقابل استکبار جهانی در جنگ تحمیلی،  
می نمودند، اما باز در رفع نیازهای ریز و درشت  
نیازمندان به کمک، پیشتاز بودند.

درست پا جای پای امام متقین، حضرت علی  
علیه السلام می نهادند. روزها در جهاد و اداره‌ی امور  
مسلمانان بود و شبها کیسه‌ی نان و خرما بر دوش  
و به دنبال گرسنگان و بی پناهان می گشت. یتیمان  
را در خانه‌ی شهید دادگان بر دوش می گرفت و  
لیخند بر لبانشان می نشاند. بر دل‌های نگران، مرهم  
آرامش می نهاد. به بی پناهان پناه می داد. به در کار  
ماندگان کمک می کرد تا کارشان سرانجام گیرد. به

دیدار بیماران می‌رفت و دلداریشان می‌داد.  
رزمندگان، خود را نمی‌دیدند تا دیگران را  
فراموش کنند. به دنیا گره نخورده بودند تا از انفاق و  
کمک به دیگران باز مانند. روحشان لطیف بود و درد  
دیگران، درد آنان؛ نیاز دیگران، گرفتاری آنان. درود  
بر آنان که در عین صلابت در برابر دشمنان، در مقابل  
خودی‌ها، این‌گونه با محبت و لطافت و مهربانی  
بودند. گوشه‌هایی از این زیبایی روح و بزرگی طبع  
و همت بلند را در خاطرات گزینش شده می‌خوانیم  
و بر خود نهیب می‌زنیم که: به سوی قبله‌ی عاشق  
نماز باید کرد.

مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت